

### متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم با عرض سلام خدمت استاد گرامی به یاد دارم که از کودکی به نکات و مسائل ریز توجه داشتم نکاتی که شاید خیلی ها از آنها غافل بودند. در عین حال به چند موضوع توجه می کردم و چند جا را زیر نظر داشتم. این مساله متاسفانه باعث مشکل من می شد به صورتی که در نماز و ... اصلا حواسم جمع نبود. با کوچکترین صدا یا مساله ای حواسم پرت می شد و وقتی به خودم می ادمم که نماز تمام شده بود. در اثر عنایات اهل بیت کمی بهتر شده بودم ولی چند سالی است که هر روز بدتر از دیروز می شوم و الان به جایی رسیده ام که از نماز، خواندن قران و دعا خسته ام. بعد از هر نماز احساس می کنم بیشتر از خدا دور شده ام مساوی به ذهنم می آید که حتی در غیر نماز هم به آنها فکر نمی کنم. سعی می کنم فکر را دنبال نکنم ولی مساله ای دیگر می آید و نماز به همین گش و قوسهایی می شود. خلاصه حسابی از خودم خسته شده ام. اصلا حالی برای نماز و... ندارم. معمولا بعد از هر نماز یا قران عصبی ام و این عصبانیت در رفتارم بروز می کند و باعث ناراحتی شوهرم و بد رفتاری با فرزند کوچکم می شود. خسته خسته خسته ام. لطفا مرا از دعای خیرتان محروم نکنید و راهنمایی ام کنید که چگونه از این مساله رها شوم که در این حال خسر دنیا و الاخره ام

### متن پاسخ

علیکم السلام، باسمه تعالی به خدا بگویید خدایا! من می خواهم نماز و قرآنی بخوانم که سراسر آن رجوع به تو باشد، حال هر اندازه که راهم می دهی به خودت مربوط است. بدون هیچ نگرانی نماز و قرآن خود را به حکم وظیفه انجام دهید بسیاری از آنچه می خواهید ان شاء الله در برزخ برایتان پیش می آید. کتاب «ادب خیال و عقل و قلب» را نیز مطالعه کنید. موفق باشید